

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: جهانگیر

امیر پیام

۰۶.۰۷.۱۰

## افق امید بخش رهائی :

### واقعیت ها و امکانات

از همان ابتدای خیزش اعتراضی مردم تحت ستم بر اغلب فعالان کارگری و مبارزان چپ روشن بود که پیشروی پیروزمندانه جنبش آزادیخواهانه جاری و دست یابی آن به اهداف آزادیخواهانه و برابری طلبانه اش در گرو برگزیدن افق و چشم اندازی چپ گرایانه است. افقی که نه تنها خواستار برچیدن استبداد و ارتجاع حاکم بر ایران باشد بلکه با رویکردی ضد سرمایه دارانه چشم انداز تغییرات ریشه نی سیاسی و اقتصادی را طرح نماید. تجربه خود جنبش نیز در سال اخیر این را ثابت نمود. انکشاف سیر عملی مبارزات مردم به سمت رادیکالیزه شدن و سرنگونی رژیم که مسیر آنان را از تلاش های انحرافی و کنترل کننده و بازدارنده طیف وابستگان استبداد حاکم یعنی جریان سبز موسوی و کروی جدا نمود، نیز ضرورت برگزیدن افق چپ را نشان داد.

اما هنوز تا هنگامیکه واقعیت های مبارزه سیاسی و همینطور امکانات مادی و در دسترس و قابل اتکاء برای توده های تحت ستم اتخاذ چنین افقی را عملی و ممکن و مقدر نسازد، به صرف درک منطقی این ضرورت و حتی تأکید تجربه بر آن، چنین تحولی رخ نخواهد داد و افق و چشم انداز چپ بدون پشتوانه مادی و در فقدان امکانات عملی برگزیده نخواهد شد. از اینرو اینجا می خواهیم این حقیقت را یاد آوری کنیم که چرخش به چپ در جنبش آزادیخواهانه کنونی و اتخاذ افق چپ گرایانه توسط آن در شرایط همین امروز ایران نه تنها مقدر است بلکه دارای پشتوانه مادی بوده و از مصالح واقعی و امکانات عملی در دسترس و قابل اتکاء نیز برخوردار است. حقیقتی که بانگ رسای حضور و وجود آن در اول ماه مه امسال و در اعتصاب عمومی کردستان به صدا در آمد. از این منظر به دو رویداد فوق نگاه کنیم.

### اول ماه مه ۸۹

طبقه کارگر ایران در طول حیات جمهوری اسلامی و در زیر سرکوبهای سیستماتیک آن هر ساله مراسم روز کارگر را به مثابه روز اتحاد و همبستگی طبقاتی و به عنوان فرصتی برای اعلام مطالبات و اعتراض خود به نظام حاکم به اشکال متنوعی برگزار نموده است. روزهای کارگر در همه این سی سال بدون نمایش همبستگی طبقاتی

کارگران علیه نظام ضد کارگری حاکم سپری نشد. سرمایه داری ایران و حکومت کنونی آن یعنی جمهوری اسلامی هیچگاه از تیررس مبارزه طبقاتی کارگران در امان نبودند. اما برگزاری اول ماه مه امسال از دو جنبه بسیار حیاتی و تعیین کننده بود. یکی از جنبه مبارزه طبقاتی کارگران علیه سرمایه و دولت آن که مقاومت و مبارزه جوئی جنبش کارگری را در سطح کلان و سراسری به نمایش گذاشت، و دیگری در رابطه با جنبش آزادیخواهانه جاری علیه استبداد حاکم بود که معلوم شد جنبش کارگری برای تأمین حضور صف مستقل و طبقاتی اش و طرح افق امید بخش خود در این جنبش و نیز برای کسب رهبری آن در تلاش است. امسال جنبش مستقل کارگری با برگزاری سازمان یافته و نقشه مند و موفق اول ماه مه، هم به لحاظ کمیت بزرگ شرکت کنندگان و هم به لحاظ قدرت سازماندهی و توان بسیج توده ئی که از خود بروز داد و همچنین به لحاظ کیفیت سیاست های پیشنهادی اش، راسا افق رهایی از وضعیت پر ستم و مشقت بار کنونی را در برابر توده های تحت ستم قرار داد.

در رابطه با مبارزه طبقاتی کارگران، عروج جنبش نوین مستقل کارگری از شش سال گذشته تاکنون مسیر پر فراز و نشیب و گاه شورانگیز و عمدتا پر مشقتی را از سر گذرانده است. از کشتار کارگران خاتون آباد و نبرد اول ماه مه ۸۳ سقر تا مبارزات کارگران شرکتهای واحد و نیشکر هفت تپه و بر پائی سندیکاهایشان تاکنون شاهد هزاران شکایت و اعتراض و تحصن و اعتصاب و تظاهرات و مسدود نمودن جاده ها و نبرد با نیروهای سرکوبگر و مبارزات تعطیل ناپذیر تشکلهای مستقل کارگری و تلاش خستگی ناپذیر صدها فعال کارگری هستیم. مبارزه ای که بی وقفه در زیر خطر دایمی بیکاری و نداری و فقر و بی خانمانی و نیز با وجود تهدید شبانه روزی دستگیری و زندان و شکنجه و شلاق و دار در جریان است. همه این مبارزات اما برای تأمین یک هدف فوری و بلاواسطه جریان دارد، یعنی برای تغییر تناسب قوای طبقاتی به نفع کارگران و تسهیل شرایط مبارزه برای کسب مطالبات بسیار اولی و انباشته شده آنان. اگر چه در این سالها جنبش مستقل کارگری با اتکاء به آگاهی طبقاتی و روشن بینی سیاسی و مبارزه شبانه روز و فداکاریهای کم نظیرش خود را در سطح و عمق گسترش داد و این از دستاوردهای غیر قابل بازگشت آن می باشد، اما در مبارزه برای کسب و تثبیت مطالبات و خواسته های پایه ئی و عاجل کل طبقه کارگر توفیق نیافت. عدم توفیقی که تماما حاصل قدرت سرکوب حکومت سرمایه داری در ایران و نتیجه وجود حاکمیت استبداد سیاسی به عنوان سدی در برابر تلاش کارگران است. همین اندازه از مبارزه و فداکاری کارگران در شرایط سیاسی غیر استبدادی بی تردید به دستاوردهای زیادی منجر می شد.

یک سیاست ثابت جمهوری اسلامی نسبت به جنبش مستقل کارگری این است که منظمآ قدرت خود را در مهار و کنترل و ایجاد محدودیت و خنثی سازی مبارزات و سرکوب کارگران یاد آوری کند. از سوی جنبش مستقل کارگری نیز به به نبرد فراخواندن این قدرت رکن ثابت سیاست های کارگری بوده و راز پیشروی تاکنونی جنبش هم پرداختن به همین رویارویی است. در آستانه اول ماه مه سال گذشته فعالان کارگری از سوی نیروهای امنیتی مستقیما تحت فشار و تهدید قرار گرفتند تا از برگزاری این روز خوداری کنند. علی رغم همه اینها اما روز یازده اردیبهشت ۸۸ [ثور] حدود دوهزار تن از کارگران و خانواده هایشان به میدان آب پارک لاله رفتند که با حمله وحشیانه صدها نیروی سرکوب و دستگیری نزدیک به صد و پنجاه تن از فعالان کارگری پراکنده شدند.

رژیم امیدوار بود با ضربه سال گذشته بر پیکر جنبش کارگری و با سرکوب مبارزات آزادیخواهانه جاری و ایجاد فضای رعب در جامعه اول ماه مه امسال به خاموشی سپری شود. اما جنبش کارگری می باید که این امید رژیم را به یأس بدل می نمود و با برگزاری این روز اقتدار طبقاتی خود را به نمایش می گذاشت. این جنبش می باید قدرت نمائی می کرد و با برگزاری اول ماه مه اراده خود را اعمال می نمود. در مبارزه طبقاتی مقطعی است که ضربه

زدن به روحیه دشمن و بستر سازی برای پیشروی های آتی با اهمیت تر و آینده ساز تر از کسب خواست معینی است. این دقیقاً چیزی بود که جنبش مستقل کارگری به درستی و با زبر دستی بدان اقدام نمود و فضای کل جامعه را به نفع طبقه کارگر چرخاند. همه دیدند که چگونه حتی استعمار گران و بهره کشان و سرکوبگران طبقه کارگر از رأس نظام الهی سرمایه داری ایران تا همه شاخ و برگ های غیر اسلامی آن به تعظیم و تکریم کارگران درآمدند. در اول ماه مه امسال اما جنبش مستقل کارگری در رابطه با جنبش آزادیخواهانه کنونی وظیفه دفاع از این جنبش و رایه آلترناتیو رهبری برای آن را به عهده گرفت. این در حالی بود که در طول سال گذشته رابطه جنبش کارگری و جنبش آزادیخواهانه از سه ناحیه مخدوش و تخریب می شد. اول از سوی طیفی از دست اندرکاران جریان سبز موسوی و کروی در داخل و خارج که می کوشیدند تا با سوء استفاده از نیروی عظیم جنبش کارگری آنرا به سکوی پرش خود به سوی اهداف شان که به ضد اهداف کارگران است بدل سازند. دوم از سوی طیفی از عناصری که خود را طبقه متوسط می خوانند و جنبش آزادیخواهانه مردم را در انحصار طبقه خود می بینند تلاش می شد تا با تخطئه جنبش کارگری و تحقیر مبارزات و مطالبات کارگران جنبش آزادیخواهانه را در کنترل خود نگه دارند. سوم برخی محافل به اصطلاح چپ بود که با ارتجاعی خواندن اساس و ماهیت جنبش آزادیخواهانه مردم جان بر لب و تحت ستم ارتجاع اسلامی، پشت نمودن جنبش کارگری به جنبش آزادیخواهانه علیه استبداد حاکم و حتی مقابله و سپس گریزانه و ضدیت عقب مانده با آنرا تبلیغ می نمودند. وجه مشترک همه این تلاش ها که آنها را به یک رویکرد واحد علیه طبقه کارگر و جنبش آن بدل نمود در تخطئه و تخریب و بی ارزش نمودن و تضعیف و بی وجه نمودن نقش صف مستقل طبقه کارگر و حضور و ادعای این طبقه برای رهبری جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه کنونی قرار داشت. اما حضور مستقل و رادیکال و پر قدرت جنبش مستقل کارگری در اول ماه مه امسال خط بطلانی بر همه این تشبثات انحرافی و مخرب بود.

همانطور که گفته شد در اول ماه امسال جنبش مستقل کارگری با به مصاف طلبین طبقه حاکمه و دولت آن و نیز با ادعای رهبری جنبش آزادیخواهانه کنونی به میدان آمد. برنامه این روز برای برگزاری یک گرد هم آئی بزرگ در مقابل وزارت کار توسط تشکلات مستقل کارگری سازماندهی شد و علی رغم تهدیدهای گسترده نیروهای امنیتی اعلام گشت. اگر چه خود این گردهمایی به دلیل حضور زنجیره های طولانی نیروهای سرکوبگر ممکن نشد، اما به گزارش خیل رسانه های متنوع و جریانات سیاسی مختلف هزاران تن از کارگران و خانواده هایشان به همراه شعارها و مطالبات شان در خیابانهای اطراف حضور داشتند. غیر از تهران در اکثر شهرها برنامه ها به شکل گردهم آئی ها و تظاهراتهای کوچک و بزرگ برگزار شد. بارها سرود انترناسیونال خوانده شد. سخنرانی ها در نقد نظام سرمایه داری انجام شد. پیام ها در همبستگی با کارگران جهان و در دفاع از مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم تحت ستم قرائت شد. در بسیاری از برنامه ها قطعنامه مطالباتی ده تشکل مستقل کارگری قرائت و تصویب شد.

افق امید بخشی که جنبش مستقل کارگری در برابر کل جامعه قرار داد به لحاظ سیاسی و تا آنجا که شرایط داخل ایران ابراز علنی چنین سیاست هائی را مقدور می سازد در اسنادی که به مناسبت اول ماه مه منتشر شدند به دقت تشریح و تدوین و ثبت شده است. \* قطعنامه مشترک ده تشکل مستقل کارگری و دو بیانیه شورای برگزاری اول ماه مه اسنادی طبقاتی – تاریخی اند که حقیقتاً مایه افتخار طبقه کارگر و نشان درخشش آگاهی طبقاتی آنست. با این اسناد، جنبش کارگری وارد دوران دخالتگری کلان در سطح سیاست شده و برای تقبل وظیفه سنگین و خطیر و پر

افتخار رهبری مبارزات ملیونها انسان تحت ستم برای به زیر کشیدن استبداد حاکم و کسب آزادی و برابری واقعی اعلام آمادگی می کند.

بنابر رویدادهای اول ماه مه امسال بار دیگر آشکار می شود که جنبش کارگری با صف و سیاست و افق طبقاتی و مستقل خود از مهم ترین و برجسته ترین واقعیت های سیاست در ایران امروز است. علی رغم تحمیل بی وقفه فقر و فلاکت بی سابقه به طبقه کارگر، و علی رغم سرکوب بی امان مبارزات و تشکلات و فعالان آن، طبقه کارگر به عنوان نیروئی مطرح و دخالتگر در سیاست دیگر قابل انکار نیست. سلطه انحصاری جریانات استثمارگر اسلامی و ملی و سلطنتی بر سیاست ایران در حال فروپاشی است چرا که طبقه کارگر بار دیگر به میدان آمده است.

تا آنجا که به جنبش آزادیخواهانه کنونی مربوط می شود، معنی بلافاصله این تحول اینست که همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب می توانند با پیوستن به صف دوستداران و طرفداران طبقه کارگر و با تقویت حضور و وزن و نقش رهبری کننده این طبقه مسیر پیشروی مطمئن و پیروزمندانه جنبش آزادیخواهانه کنونی را هموار سازند. چرا که جنبش کارگری در این ظرفیت از واقعیت های سیاست در ایران و امکانی قابل اتکاء برای کسب آزادی و برابری واقعی است.

### اعتصاب عمومی در کردستان

سال ۸۹ به فاصله کمی از برگزاری قدرتمند اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) شاهد اعتصاب عمومی ملیونی و شکوهمند ۲۳ اردیبهشت در کردستان بود. اعتصابی که نه فقط به دلیل فاصله زمانی کوتاه که اساسا به دلیل محتوای سیاسی اش به روز جهانی کارگر متصل شد و به مثابه حلقه ای از چرخش رو به پیش سیر تحولات سیاسی به سمت چپ رخ نمایاند. این اعتصاب انعکاس حضور اجتماعی چپ سوسیالیست در ایران است. اعتصاب عمومی در کردستان بار دیگر شکست پروژه مهندسی شده روی کار آوردن جمهوری اسلامی به عنوان راه حل نهائی حذف کمونیسم در ایران را به نمایش گذاشت. معلوم شد که خلاف تبلیغات زهرآگین از یکسو و تصورات ساده اندیشانه از سوی دیگر، چپ سوسیالیست «تعدادی گروه خارج کشوری بی تاثیر» بر حیات سیاسی ایران نیست. به عکس آشکار شد که همین چپ، علی رغم اختلافات درونی اش و علی رغم محدودیت اجباری فعالیت در خارج کشور، در کلیت خود یک جنبش اجتماعی ذی نفوذ و آینده دار و از بازیگران اصلی سیاست در ایران است. حقیقت پر صلابتی که تنها به وسیله چتر اختناق ارتجاع اسلامی و قلم به دستان «اصلاح طلب» آن تلاش می شود که از نظرها پنهان بماند. اما به راستی چرا اعتصاب عمومی کردستان از چنین وزنی برخوردار شده و چرا آنرا نشان حضور اجتماعی و نفوذ چپ سوسیالیست در ایران می دانیم؟ برای پاسخ لازم است به جنبه های متنوع این اعتصاب پرداخت.

به دنبال اعدام پنج زندانی سیاسی، شیرین علم هولی، فرزاد کمانگر، علی حیدریان، فرهاد وکیلی و مهدی اسلامیان، موج انزجار از جمهوری اسلامی سراسر ایران و شهرهای کردستان و حتی برخی شهرهای افغانستان و عراق و ترکیه را فرا گرفت. خصلت سراسری و همگانی انزجار از رژیم و حمایت از زندانیان سیاسی و ابراز همبستگی و همدردی با اعدام شدگان از جلوه های شور انگیز واکنش توده های تحت ستم بود. این واکنش نشان داد که مبارزه جاری برای آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران از چه پتانسیل بالای غیرملی و غیرقومی برخوردار است. مبارزه توده های تحت ستمی که به صورت سراسری و همگانی و مستقل از هر تفاوت ملی و قومی و منطقه ئی و محلی و غیره و به طور متمرکز علیه استبداد و ارتجاع حاکم و برای آزادی و برابری جریان دارد.

اما واکنش توده‌های تحت ستم در کردستان به دلیل برخورداری از موقعیت و امکانات سیاسی متفاوت نسبت به نقاط دیگر ایران سازمانیافته و قدرتمند بود. به فراخوان «کومله» سازمان کردستان حزب کمونیست ایران روز پنجشنبه ۲۳ اردیبهشت در کردستان اعتصاب عمومی اعلام شد و از همگان دعوت شد تا در اعتراض به اعدامهای اخیر و محکومیت جنایات رژیم به اعتصاب بپیوندند. این اعتصاب با موفقیتی چشم‌گیر و با شکوه بسیار برگزار شد. کردستان در ۲۳ اردیبهشت متحد و یکپارچه تعطیل گشت. به گزارش خبرگزاریهای مختلف دنیا و فیلم‌های ویدیویی منتشر شده از منابع متفاوت همه جا تعطیل شد. به این ترتیب یکی از بزرگترین اعتراضات ملیونی علیه رژیم که مطلقاً نه متأثر از توهم به جناحهای رنگارنگ آن و یا در سایه نفوذ و کنترل آنان، که مستقیماً تحت تأثیر جبهه متضاد و نافی کل نظام حاکم یعنی تحت تأثیر چپ سوسیالیست رخ داد و در تاریخ مبارزه علیه ارتجاع اسلامی ثبت شد.

توجه به عواملی که شکل دهنده خصلت چپ‌گرایی اعتصاب عمومی کردستان هستند در عین حال توجه به آن عوامل بیرونی و عینی می‌باشند که در سیر تحولات سیاسی باز تولید‌کننده پایه مادی و حضور اجتماعی چپ سوسیالیست در ایرانند.

پیش از هر چیز و بدون احتساب فراخوان یک جریان سوسیالیستی، اعتصاب عمومی ۲۳ اردیبهشت فی‌نفسه خصلتی چپ‌گرا داشت. نه صرفاً به این دلیل که اعتصاب در منطقه‌ای رخ داد که حضور فرهنگ و ارزش‌های مترقی و چپ از قدمتی طولانی برخوردار است که این به اندازه کافی حق مطلب را بیان می‌دارد، بلکه همچنین از اینرو که اعتصاب به فراخوان جریان‌های ناسیونالیست کرد رخ نداد و به دنبال مطالباتی ناسیونالیستی نبود. همینطور این اعتصاب هیچگونه همراهی و هم‌رنگی با جریان سبز موسوی و کروی و «اصلاح‌طلبان» دولتی و معدود اعوان و انصارشان در کردستان نداشت. در اینجا به انواع و اقسام تفاسیر فریبکارانه و واپس‌گرایانه از مبارزه آزادیخواهانه جاری و قعی گذاشته نشد. مردم در کردستان مستقیماً علیه اعدام و شکنجه و برای آزادی زندانیان سیاسی و برای کل آزادیهای سیاسی و برای حق همه مردم در برخورداری از یک زندگی آزاد و برابر در سراسر ایران اعتصاب کردند. این اعتصابی بود در دفاع صریح و صادقانه از آزادی و برابری و حرمت و شأن آدمیزاد، و اعتصابی بود علیه کلیت نظامی که نابود‌کننده هر بارقه‌ای از آزادی و انسانیت است. خصلت چپ‌گرایی اعتصاب هم در همین حقیقت نهفته است.

اما عامل فراخوان دهنده نقش مهمی در پیدایش اعتصاب و خصلت چپ‌گرایی آن داشت. فراخوان دهنده، حزب کمونیست ایران با اهداف و مواضع شناخته‌شده سوسیالیستی به همراه سه دهه سابقه مبارزاتی بود. همانطور که اگر این اعتصاب به فراخوان جریان‌های ناسیونالیستی رخ می‌داد بی‌درنگ بر خصلت ناسیونالیستی آن انگشت گذاشته می‌شد، اکنون که اعتصاب به فراخوان یک جریان کمونیستی برپا شد، شرط انصاف و حقیقت‌جویی است که بر خصلت چپ‌گرایی آن تأکید شود. به ویژه اینکه حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن یعنی کومله مستقل از هر قضاوتی که در مورد شان داشته باشیم همیشه پرچم دار آرمانهای آزادیخواهانه و برابری‌طلبانه بوده و افق سوسیالیستی را تقویت نموده‌اند. بنابراین نفس پاسخ مثبت به چنین فراخوان دهنده‌ای خود بیانگر کشش و علاقه مردم، اگر نه بیشتر به خود فراخوان دهنده، به آرمانهای آزادیخواهانه و برابری‌طلبانه می‌باشد.

اما پاسخ مثبت به فراخوان کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران همچنین نشان‌دهنده اعتبار و نفوذ این جریان در بین توده‌های تحت ستم نیز هست. اعتبار و نفوذی که به حزب کمونیست ایران محدود نشده و به تقویت حضور اجتماعی کل چپ سوسیالیست انجامیده است. در واقع کومله نه تنها به واسطه‌ای برای جلب توده‌های تحت

ستم به آرمانهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه بدل شده، بلکه در همان حال به رشد اعتبار و نفوذ کل چپ کمک می‌رساند. اینجا تأکید این نکته لازم است که من موقعیت کومله و حزب کمونیست ایران را کاملاً ابژکتیو و با حفظ تفاوت سیاسی خود و مستقل از قضاوت سیاسی ام در باره آن ارزیابی می‌کنم. با اعتصاب عمومی اخیر معلوم می‌شود که حزب کمونیست ایران علی‌رغم همه بحرانها و فراز و نشیب‌هایی که پشت سر گذاشته قادر گشت اعتبار و نفوذ سیاسی خود را در بین توده‌های تحت ستم حفظ و تقویت نماید. اذعان به این واقعیت از لحاظ تحلیلی ضروری است چرا که اگر اعتبار و نفوذ یک جریان کمونیستی آنقدر هست که توده‌های ملیونی به فراخوان آن پاسخ مثبت می‌دهند آنگاه وجود همین رابطه دو جانبه بین جریانی کمونیستی و توده‌های مردم نشانگر ارزشمندی آرمانهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه نزد آن مردم و گویای توجه آنها به سمت سیاست‌های چپ و سوسیالیستی می‌باشد.

بالاخره باید در ورای عواملی که به وقوع اعتصاب عمومی در کردستان و شکل‌گیری خصلت چپ‌گرای آن و نیز به آشکار شدن حضور اجتماعی چپ سوسیالیست در ایران انجامید، به رشد چشم‌گیر کمیت و خود آگاهی طبقاتی و مبارزات طبقه کارگر در کردستان اشاره نمود که به لحاظ مادی بستر ساز این تحول مثبت به نفع چپ سوسیالیست است. بعضاً شاهدیم که سطح بالای مبارزات پیشرو مردم در کردستان به سابقه مبارزه علیه ستم ملی نسبت داده شده و از آنجا خصلتی ناسیونالیستی به این مبارزات القاء می‌شود. چنین چیزی اگر چندین دهه قبل باری از حقیقت داشت، در طی سی سال گذشته با رشد کمی طبقه کارگر در بخش‌های صنعت و راه و ساختمان و کشاورزی و خدمات، و با سنگین شدن وزن سیاسی آن دیگر چنین نیست. سالهاست که اعتراضات اجتماعی در کردستان نه از ناسیونالیسم کرد، بلکه از مبارزه طبقاتی کارگران متأثرند. مبارزات کارگری در کردستان به مثابه برجسته‌ترین بخش مبارزات اجتماعی زمینه ساز خصلت پیشرو این مبارزات است. رشد کمی طبقه کارگر در کردستان و سطح بالای آگاهی طبقاتی کارگران، به همراه مبارزات گسترده آنان با اتکاء به سنت‌های رادیکال نه تنها زمینه ساز اتخاذ سیاست‌های چپ و تقویت‌کننده نفوذ جنبش چپ سوسیالیست در کردستان است، همینطور بر مبارزات کارگری در سراسر ایران تأثیراتی دیرپا داشته است. به عنوان تنها یک نمونه، نبرد کارگران سقز با نیروهای سرکوبگر در اول ماه مه سال ۸۳ برای برگزاری این روز به لحاظ تاریخی به آغاز جنبش نوین مستقل کارگری در ایران منجر شد.

بنابر این اعتصاب عمومی ۲۳ اردیبهشت در کردستان با خصلت چپ‌گرایانه‌ای که داشت به نشانه‌ای بسیار مهم و گویا از حضور اجتماعی و نفوذ غیر قابل انکار چپ سوسیالیست در ایران بدل شد. این یعنی چپ سوسیالیست حداقل در بخشی از ایران از این موقعیت و امکان برخوردار است تا بی سابقه‌ترین اعتصاب سیاسی در ایران را فراخوان دهد و از طرف توده‌های ملیونی مردم پاسخ مثبت بگیرد.

\*\*\*\*\*

در ابتدای مطلب بر این تأکید کردیم که پیشروی پیروزمندانه جنبش آزادیخواهانه جاری و دست‌یابی آن به اهداف آزادیخواهانه و برابری طلبانه در گرو برگزیدن افق و چشم‌اندازی چپ‌گرایانه می‌باشد. همچنین گفتیم بدون وجود واقعیات مادی و امکانات عملی لازم برای این چشم‌انداز، اتخاذ عملی آن توسط توده‌های تحت ستم مقدور نیست. در اینجا تلاش شد تا در پرتو دو رویداد مهم اول ماه مه و اعتصاب عمومی کردستان در ماه اخیر، بر وجود واقعیات لازم برای برافراشتن افق چپ تأکید شود. این دو رویداد نشان دادند که رو آوردن به سیاست چپ و سوسیالیستی در ایران نه صرفاً یک آرمانخواهی ایدئولوژیک، بلکه ضرورتی سیاسی است که از زمینه‌های مادی و امکانات عملی نیز برخوردار می‌باشد. با اتکاء به این واقعیت‌ها می‌توان در تحولات جاری این افق را برگزید.

سرنوشت مبارزه برای کسب هر ذره ای از آزادیهای سیاسی و هر میزان از برابری اقتصادی به برگزیدن افق چپ  
گره خورده است. سیر تحولات خود عملاً هر روز بیشتر به سمت چپ سوق داده می شود. آینده سعادت مند جامعه  
ایران بی تردید به این جهتگیری و انتخاب مهم گره خورده است. از این انتخاب استقبال کنیم.